

در راستای پاسخگویی به نیازهای جنبش، نباید در این لحظات خطیر وظایف مان را فراموش کنیم!

امیرجوهری لنگرودی

info@karegari.com

در پی مبارزات توده ای آبان ماه ۹۸ رهبران جمهوری اسلامی موج گسترده ای از وحشیانه ترین سرکوب گری ها در کل جامعه در برابر چشمان مردم به نمایش گذاشته اند و بار دیگر درب های زندان ها را گشوده و همه چیز را به زیر آفتاب آورده اند

جدا از این، یکباردیگر دستگاه جهنمی به محاکمه بردن و زجر کش کردن نیروهای کف خیابان را با تمام ظرفیت به کار انداخته است. سران رژیم یکی پس از دیگری، همه در باب ضرورت "تمام کش" کردن مخالفان و معترضان دستگیر شده صحبت می کنند و "رافت اسلامی" ادعایی آنها، بساط دکانداری همیشگی آنهاست که در برابر پیشروی مردم گاه در مطبوعات می دمند و جز تبلیغ و دروغ گویی، هیچ کار بردی ندارد.

در این میان نکته قابل تعمق باید این باشد که موج گسترده خشونت های اخیر، صرفاً در مقابل حرکات توده ای اخیر نیست که در پایان آبان ماه شاهدش بودیم هر چند تأثیر بیواسطه تحرکات دوساله اخیر دی ماه ۹۶ و تحرکات کارگران-معلمان- دانشجویان- بازنشستگان- جانبدارانه محیط زیست و ... طی تمامی سال ۹۷ و حرکت آبان سال ۹۸ مردم جامعه ما در بر انگیزتن و شتاب دادن به وحشیگری رژیم مخصوصاً ابعاد کنونی آن را نمی توان نادیده گرفت.

اما به این حقیقت نباید بی توجه ماند که سرکوبی که اکنون راه افتاده، بگیر و به بندها، احکام سنگین زندان، فشار در درون زندان ها، فقط متوجه خیزش ها و قیام دوره اخیر و محدود به مقابله به آنها نیست. حمله به خبرنگاران مستقل به نحو چشمگیری افزایش یافته است. محاکمه دیگر باره فعالان کارگری و متحدان آنان، تهاجم به زنان فعال و سازمانگر، تهاجم دیگر باره به بهائیان و در ایش، فعالان محیط زیست، به نویسندگانی که با قلم پیکاری می کنند، به دانشجویان، به معلمان و به کل آحاد جامعه، نشانه توحش نظام رابه ثبوت می رساند. دستگاه قضایی کشور و شخص ابراهیم رئیسی قاضی القضاات نظام یکی از گردانندگان اصلی دستگاه قضایی، مشکلات بی پایان کشور را دور میزنند و احکام پشت احکام صادر می کنند.

ضعیت موجود بر پایه قرائن متعدد دیگر، این را به ما نشان می دهند که رهبران رژیم در پیشبرد طرحهای سرکوب به تاکتیک "مشت آهنین" می اندیشند نه سیاست بردباری، رافت و انعطاف بیشتر در برابر نیازها و خواسته های بی پاسخ مانده مردمان جامعه ما!

امروز همچون دیروز اقتصاد در حال تلاشی ایران همچون عقربه یک بمب ساعتی در زیر پای تمامیت نظام سنگینی می کند. حالا همه کارگزاران نظام دریافته اند که زمان تنگ است و خطرات بزرگی همه ارکان نظام را زیر فشار گذاشته اند. تحریم های امپریالیستی از یک طرف، خواسته ها و نیازمندی های بی پاسخ مانده مردم را زیر گرفته است و از طرف دیگر، بدهی ها و تعطیلی صنایع و بیکاری گسترده میلیونی و دشواری زندگی توده رنج و زحمت جامعه را به نمایش می گذارد. همه و همه این رویدادها نشان می دهد که لحظه ی انفجار، بی درنگ در حال نزدیک شدن است، با این همه حاکمیت همچنان به سرکوبی خود ادامه میدهد و گویا دریافته اند، سرکوب یگانه مسیر فرار روی آنها در برابر رخدادهای کنونی است.

نظام اسلامی همچنان در باب پاسخگویی به مشکلات پیشروی بر سر سیاست اقتصاد نئولیبرالی پای می کوبد و با فراهم آوردن فُرَق گاهی برای سرمایه افسارگسیخته و ورشکسته موجود، راه را بر روی معجزه بازار آزاد می ببندد و به شکل افسارگسیخته ای به تاسی از سیاست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، به گسترش حذف سوبسید ها و روی آوردن به سیاست خصولتی و خصوصی سازی بسیاری از خدمات ابتدایی تحت پوشش دولت بهم ریخته شده و در نتیجه اعمال این سیاست ها، ما شاهد جهش انفجاری هزینه زندگی اکثریت مردم، در مقابل بحران بیکاری، ورشکستگی منابع تولیدی، از قبیل پتروشیمی ها، نفت و خودروسازی که در نتیجه گسترش تحریم های امپریالیستی، با عدم تأمین مواد اولیه چرخه تولید، همه و همه مارا با کثرت تعطیلی صنایع و بیکاری میلیونی و از کار افتادن بخش های وسیع صنایع تولیدی روبرو ساخته است. جدا از این سیاست گشودن مطلق درهای اقتصاد کشور بر روی واردات کالا که یکی از پیامد های آن دست درازی سپاه پاسداران و فرقه شدن "برادران قاچاقچی" می باشد. جایگاه ممتاز و انحصاری خیلی از صنایع از جمله: صنعت پتروشیمی - سدسازی- جاده سازی- صنعت خودروسازی در ایران و همینطور خروج قانونی سرمایه از کشور در قالب پدیده "آغازده" های پُر شمارو "ژن های برتر" که بخشا دوتابعیتی بودن مقامات ارشد نظام را نمایندگی می نمایند. همه و همه

ابعاد عظیم گسترده ی فرار نیروی انسانی و پول شویی ها که در محاسبات اقتصادی امروزی فرار سرمایه محسوب می گردد .

گفتن ندارد که رژیم برای پاسخ گویی به نیازها و انتقادات موجود درون جامعه، باید بتواند قدم های اساسی بردارد. ولی نظام طی چهار دهه حکومت وطی جراحیهای متعدد، برای حفظ و تحکیم "کیان اسلام" هر چه در توان داشته به مصرف رسانده است. در این میان هیچ طرح و نقشه کارآمدی برای برون رفت در کل جامعه خبری نیست، به ناچار باید با بستن دست و پای، دهان و گور کردن چشم مردم، به حکومت ننگین خود ادامه دهد. دولت در چنین شرایطی در برابر پیشروی جنبش های اجتماعی مطالبه گر، و در برابر طرح خواسته ها و نیازهای آنان، از صدوق باز نشستگان سود می جوید. سردمداران مدعی اصلاح طلبی، مردم را از سوره ای شدن کشور در فردای سرنگونی می ترسانند و همواره مردم را بر آن می دارند که خشونت نوزند و خود را از دامن خشونت گران دوردارند!

این مدعیان دورغین برای قابل زیست کردن جمهوری اسلامی، ناگزیرند که چاشنی انفجاری بحران اقتصادی را در آوردند و برای پیشبرد اهداف بلند مدت خود، حمله به سفره زحمتکشان را در دستور کار خود قرار دهند تا چرخه درهم ریختگی و فروپاشی نظام کندتر گردد. این مدعیان دروغین، یکبار هم نشده از خود بپرسند چه کسی خشونت بر کل جامعه روا می دارد؟

نیم نگاهی به خیزش های دوره اخیر، سال ۹۶، تحرکات کارگران جنوب (نیشکر هفت تپه در شوش و فولاد اهواز)، معلمان و باز نشستگان و دانشجویان در سال ۹۷ و بویژه آنچه در هفته آخر آبان ۹۸ شاهدش بودیم، بعبارتی دورنمای موج سرکوبهای کنونی نگاه کنیم، در خواهیم یافت که این رژیم نیست که در مقابل مردم صرفا واکنش نشان می دهد، بلکه مردم ما هم هستند که در واکنش به تعرضات رژیم از زندگی شان دفاع می کنند. از این روشورش ها و خیزش ها و به پا خاستن توده ای اخیر که غالباً در حاشیه فقیر نشین شهرها رخ داده، بر نقطه تکوین شان، تعرضی صرف علیه رژیم نباید بحساب آورد، بلکه واکنشی دفاعی و بخشا تعرضی در برابر حفظ حداقل های زندگی مردم به پا خاسته نیز باید شمرد. واکنشی که پتانسیل اشتغال و انفجار عظیمی داشته و همچنان این واکنش ها در حاشیه شهرها ادامه خواهند یافت. چرا که تعرض رژیم به سفره این مردمان، تعرضی از سر درماندگی و یاس به شمار می آید و به هیچ عنوان نشان دهنده نقطه قوت رژیم نیست. اما خشم مردم، قدرت آنان را نمایندگی می کنند و ادامه این درگیری ها است که عناصر واقعی و حیاتی بیداری بزرگ مردم و بازه اراده مصمم آنان را می تواند شکل بگیرد و به جلو براند! لازم به ذکر است، این درگیری ها نه فقط به لحاظ ابعاد توده ای عظیم و بی سابقه شان، بلکه بهتر از آن، به دلیل خصلت متحد کننده شان اهمیت فوق العاده زیادی می یابند.

امروز نسل جدید به پا خاسته از جنبش اعماق نشان می دهد که دنبال چیست؟ چیستی آنان در بازگشت به گذشته تبلیغاتی "چه بوده ایم و چه شده ایم" خلاصه نمی شود. دل باختگان به کرامات آبرو باختگان نظام پیشین، قاعدتاً باید از قیام ها و خیزش های اخیر و اقدامات فراخ دست دانشجویان و شعارها و مطالبات طرح شده آنان کلافه شده باشند. زیرا در دینای وارونه آنها، این حرکت های خود جوش و ستیزنده، باعث می شود که آنان ناگزیر شوند، سیاست نرمش و مدارا را به کناری نهند و به طبل مداخله قوا از برون دست یازند و مداخله خارجی را اصل بشناسند. رژیم چنجی ها در این دوره تماماً به کرامات ترامپ و ناتو چشم داشته اند و در برابر سیاست های پشتک و بارو زدن های ترامپ در دل بحران عمومی ایالات متحده آمریکا، هر بار مغموم تر از پیش بازگشته اند.

بار دیگر تاکید می دارم: جنبش مبارزه برای آزادی و برابری و سوسیالیسم در ساختن دنیای بهتر، با تمام هستی خود، متعلق به همین تهیدستان و زحمتکشان و کارگران و فرزندان کارگران اند که حاکمیت اسلامی، سنگ را به رویشان بسته و سگ را بر رویشان گشوده اند.

از این رو بر یکایک ما است که به وظیفه تخطی ناپزیر خود عمل کنیم. نباید به این نوای پرتین زندگی پیشرویی تفاوت باشیم. اگر جنبش چپ در این موقعیت حساس بالختی، ندانم کاری و بستن گاری اش به اسب ارا به دلایان سازش پذیر، با شقه نمودن بستر مبارزه به خود و نادیده گرفتن ظرفیت ها و پتانسیل درون جنبش، به وظیفه اش که سازماندهی امر مبارزه است، پشت کند، کاری که با غافل گیری خیزش دی ماه ۹۶ همه گان و خاصه چپ از این قاعده مستثنی نبود. چپ در این مقطع به رغم استقبال و حمایت نسبی نیروهای اش از خیزش توده ای، بعنوان نیروی تأثیرگذار از بروز این رویداد بزرگ عقب ماند و جمهوری او با شان اسلامی به سرکوبی همه جانبه آن جنبش برآمد. در این میان دیگرانی که می خواهند به شیوه پوپولیستی عمل کنند و از مردم و خواسته های آنان بعنوان نردبانی برای رسیدن به قدر قدرتی خود استفاده برند، تلاش می نمایند با بهره گیری از رسانه های بزرگ، با دست بازتری از سرفرصت طلبی به جلو خیز بردارند و سود جویند.

به باور ما درست در چنین شرایطی، فعالان چپ باید در همه سطوح در کنار مردم و مبارزه آنان به ایستند و به دفاع از زندگی آنان برخیزند. از سنگربندی تهیدستان زاغه نشین در مقابل بولدزرها و عبور تانک ها تا فعالیت تبلیغی برای متوجه کردن افکار عمومی جهان علیه سرکوبهای وحشیانه رژیم، از فعالیت متشکل برای ایجاد هسته های پشتیبانی و اقدام توده ای در محلات تا براه انداختن تلاش های فکری برای گشودن جبهه فرهنگی روشنی بخش برای گسترش آگاهی و همبستگی کارگران و زحمتکشان و اقلیت های ملی و عقیدتی در جای جای کشور قدم بردارند و در خارج کشور صدای بی صدایان باشند.

خیزش آبان ماه وبه شکست کشاندن شدن آن توسط حاکمیت خونبار اسلامی، بار دیگر نشان داد، که چپ در خارج از کشور، علیرغم نیروی وسیع خود، بر سر هیچ به فرقه های کوچک جدا از هم بدل شدند و هر کسی در فکر علم کردن پرچم و بیرق خود است و ما نتوانستیم در بهترین حالت نیروی چند هزار نفری را به خیابان بکشانیم و با گامهای وسیع به همراه جانبداران جدی آزادی و دموکراسی برای مقابله با موج وحشیانه سرکوبگری های داخل کشور، که از همان سرکوبی خیزش دودی ماه ۹۶ براه افتاد، به فکر سازماندهی اقدامات وسیع و موثر و مشترک برآییم!

بخش وسیعی از ماهنوز در امر دفاع از زندانیان سیاسی- عقیدتی - مسلکی، در زندان های رژیم اسلامی، راه واحد و شعار واحدی نداریم.

امروز همچون دیروز، فروریختن دیواره بلند دیکتاتوری آماسیده پهلوی ها، موج سرکوب و وحشیگری حاکمیت اسلامی، نیز محکوم به شکست است و رژیم را بیش از پیش شکننده تر خواهد کرد.

نیاز به اتحاد و همگرایی نیروهای جنبش کارگری و کمونیستی و پیوندشان در راستای پاسخگویی به الزامات جنبش کارگری و توده ای بیش از هر زمان دیگر احساس می شود. امروز نیاز به اتحاد و همگرایی و همپوشانی و همبستگی در بطن رنسانس عظیم فکری موجود، ضرورت اتحاد در شرایطی که مردم رنج دیده کشورمان، خود را برای سنگر کنی جدیدی آماده می شوند، همه نیروهای انقلابی را بر آن می دارد که بسیار جدی تر از گذشته در راستای نزدیکی به هم گام بردارند. باید با تمام توان کوشید تا به این نیاز و ضرورت و فریاد وحدت طلبانه توده های مردم در عمل اجتماعی پاسخ در خور داد.

امروز مهم این است که ما خانواده بزرگ چپ مارکسی به الزام طرح و نقشه خود به تنهایی نغلطیم و انحصار طلبی را پیشه نکنیم. تا حد زیادی به میزان تلاش و نگاه به کف اتحاد عمل هایمان ببانددیشیم و مبارزه مردم کشورمان را رهانسازیم و آن را به دست غیب نسپاریم و بعبارتی وظیفه مان را فراموش نکنیم.

آزادی و دموکراسی را در هیچ جای دنیا به مردم هدیه نمی دهند. تجربه تمام انقلابات و تحولات بشری تا به امروز نشان داده است که برای تحقق دموکراسی و دست یابی به آن، باید جنگید!

این جنگ، باید جنگ همه ماچپ ها و مردم آزاده ای باشد که برای دست یابی و استقرار دموکراسی و دست یابی به آزادی و حق حاکمیت مردم، به خود مردم و مبارزه آنان باور دارند و به هیچ قدرت از ما بهتری هم باور نداشته و ندارند بلکه برعکس باید بدون هر سطح سازش کاری، به در هم شکستن همه دستگاههای سرکوب نظام جمهوری اسلامی باور داشته باشند.

نباید تردید داشت که دموکراسی موهبتی الهی نیست که طی یک روز آفتابی آن را بر سینی گذارند و بر ما هدیه کنند بلکه امری زمینی و دست یافتنی است و برای وصول و تحقق آن باید با دشمنان آزادی و دموکراسی جنگید و به این جنگ باور داشت!

جمعه ۲۹ آذر ۱۳۹۸ برابر با ۲۰ دسامبر ۲۰۱۹

<http://karegari.com/>